



سیاست جنایی ایران در جرایم منافی عفت تعزیری

افشین جعفری^{۱*}، آسیه حسینی^۲

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، ایران.

چکیده

حفظ عفت عمومی و امنیت جامعه یکی از اهداف مهم قانون‌گذار است و به همین دلیل سیاست جنایی هر کشور دربرگیرنده تدابیر قانونی و قضایی و اجرایی برای رویارویی با پدیده مجرمانه است. از این‌رو دسته‌ای از جرایم با عنوان جرایم منافی عفت مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. جرایم منافی عفت در حقوق ایران به دو دسته جرایم منافی عفت حدی که در شرع اسلام برای آن‌ها مجازات معین وجود دارد و جرایم منافی عفت تعزیری تقسیم شده‌اند. جرایم منافی عفت تعزیری درواقع رفتارهای مجرمانه‌ای هستند که در زمینه رابطه جنسی نامشروع رخ می‌دهند؛ اما مشمول مجازات حد نیستند. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته و یافته‌ها حاکی از آن است که درباره جرایم منافی عفت بررسی مواد قانونی مربوط به این جرم در قوانین ایران و دادگاه‌های ایران نشانگر این نکته است که سیاست کلی قانون‌گذار به پیروی از آیین اسلام بر بزه‌پوشی و استفاده از نهادهایی مانند امر به معروف و نهی از منکر، پیش‌گیری از وقوع جرم است و در سیاست‌جنایی تقنینی نیز از سیاست جنایی کیفرمحور و سرکوب‌گر استفاده نموده است که با سیاست جنایی قضایی که با استفاده از تخفیف مجازات به نوعی مسامحه و آسان‌گیری تمایل دارد، هماهنگی ندارد و سیاست جنایی ایران در زمینه مبارزه با جرایم منافی عفت نیازمند بازبینی و اصلاح از جنبه‌های گوناگون است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۱-۸۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

ایمیل:

jafariashin@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۰۶

تاریخ انتشار: ۹۹/۱۰/۱

واژگان کلیدی:

جرایم منافی عفت، تعزیر، سیاست جنایی.

openaccess



مقدمه

عفت و حفظ عفاف در جامعه یکی از مسائل مطرح اجتماعی است زیرا از بین رفتن عفاف موجب آسیب‌های دیگر در جامعه است همچون از بین رفتن یا تضعیف بنیان خانواده، امکان وقوع جرایم گوناگون جنسی و... از این‌رو قانون‌گذار در فصلی از قانون مجازات اسلامی اقدام به جرم‌انگاری جرایمی با عنوان جرایم منافی عفت نموده است. از آنجا که جرایم منافی عفت می‌تواند مقدمه‌ای برای ایجاد دیگر جرایم باشد و با بخش حساس جامعه یعنی جنبه حیثیتی در تماس است، شناخت قلمرو این جرایم و تشخیص سیاست جنایی تقنینی ایران به عنوان یک کشور مذهبی و شرقی برای شناخت نقاط قوت و ضعف قانون‌گذاری در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

سیاست جنایی تقنینی ایران در طی سال‌ها، با توجه به وقوع انقلاب و تغییر حکومت از شاهنشاهی به اسلامی با تغییراتی همراه بوده است. بررسی سیاست جنایی و تدابیر قانون‌گذار برای پیش‌گیری و بازدارندگی از جرایم برای رفع نقایص قانون‌گذاری از جمله پژوهش‌های ضروری در زمینه جزایی است.

در این پژوهش با بررسی تاریخچه قانون‌گذاری جرایم منافی عفت و شیوه مقابله قانون‌گذار با چنین جرایمی و تشخیص تعریف و قلمرو این دسته از جرایم، نویسنده در پی آن است که به بررسی سیاست جنایی ایران از جنبه‌های گوناگون تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی در این زمینه بپردازد تا میزان موفقیت قانون‌گذار در مقابله با این جرم مشخص شود و راهکارهای مناسب برای اصلاح و تقویت سیاست جنایی در این زمینه ارائه گردد.

۱- مفهوم شناسی و واژه‌شناسی

پیش از ورود به مباحث اصلی پژوهش مفهوم شناسی و ازگان اصلی تحقیق ضروری است. از این‌رو به بررسی معانی لغوی و اصطلاحی واژه‌های کاربردی در این پژوهش پرداخته می‌شود.

۱-۱- سیاست جنایی

اندیشمندان در ارتباط با سیاست جنایی تعریف واحدی ارائه نداده‌اند و همین امر موجب پیدایش نوعی ابهام در مفهوم این اصطلاح شده است (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۵۳). در عدم صراحت این اصطلاح متخصصان حقوق کیفری و جرم‌شناسی مدعی وجود نوعی تناقض در این تعاریف هستند. به عقیده فوئر باخ، مجموعه شیوه‌های سرکوبگرانه‌ای است که دولت با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد. (لازررژ، ۱۳۹۲: ۹۷) لذا او سیاست‌جنایی را دارای مؤلفه‌های زیر می‌داند:

- مبتنی با تدابیر و وسایل قهرآمیز و تنبیهی است؛

- جنبه رسمی دولتی دارد؛ یعنی صرفاً توسط قوای عمومی تشکیل‌دهنده حاکمیت به اجرا گذاشته می‌شود؛

- فقط به مبارزه علیه «جرم» می‌پردازد و به سایر رفتارهای انحرافی یعنی رفتاری که با هنجارهای مورد قبول جامعه در تعارض است و جنبه کیفری و ضمانت اجرای جزایی ندارند، توجه نمی‌کند؛

- پیش‌گیری کیفری از جرم صرفاً با سرکوبی و اجرای مجازات محقق می‌شود.

با ظهور مکاتب کیفری و فلسفی پس از جنگ جهانی دوم مفهوم سیاست جنایی دچار تحول گشت. به عقیده مارک آنسل سیاست جنایی علاوه بر جرم به عنوان یک مفهوم قانونی و سرکوبی و مجازات بزه‌کاری، با ابزارها و نظام کیفری، به «انحراف» و کژروی به‌عنوان یک مفهوم اجتماعی نیز می‌پردازد و توجه زیادی به پیش‌گیری از جرم دارد. مارک آنسل سیاست جنایی را به سازمان‌دهی عقلانی واکنش اجتماعی علیه بزه‌کاری تعریف کرده است. (آنسل، ۱۳۹۵: ۵۷) تکیه سیاست جنایی نوین به استفاده از تمامی روش‌ها و ابزارها است خصوصاً به روش‌های مبتنی بر جبران خسارت و میانجی‌گری به‌جای استفاده صرف از روش‌های سرکوبگر می‌پردازد. (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۷). شاید دلیل واقعی پیش‌بینی تأسیس و ایجاد مراکز و دفاتر میانجی‌گری در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز همین بوده باشد. لذا از این‌پس،

سیاست جنایی هدف‌دار جهت دستیابی به اهداف خود، به ابزار کارآمدی احتیاج دارد که با توجه به ابزار مورد استفاده سیاست جنایی، می‌توان آن را به سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی مشارکتی تقسیم نمود. (لازرژی، ۱۳۹۲: ۹۳)

۱-۳-۱-۱- سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی مجموعه‌ای از تدابیر مبارزه با بزه‌کاری را در بر می‌گیرد که در قانون متجلی شده است و ضمانت اجرای قانونی دارد. این نوع از سیاست جنایی، ضمن آن که صلاحیت قانونی دارد؛ معیار و مبانی انواع دیگر آن بوده و بیانگر اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یک جامعه می‌باشد. سیاست جنایی تقنینی، گاه بر عمل منحرفانه یا مجرمانه تکیه‌گاهی نیز بر شخصیت مباشر و مرتکب آن عمل مجرمانه یا منحرفانه تأکید می‌کند.

سیاست جنایی تقنینی مبتنی بر شخصیت بزه‌کار یا منحرف، است و با این دیدگاه، زمانی مبتنی بر سیاست جنایی است که «فردی کردن» ضمانت اجرای کیفری، کنترل اجتماعی را برای مساعد و هموار نمودن راه بازگشت بزه‌کاران و منحرفان به جامعه، میسر سازد. در این حالت ممکن است مجازات و به‌طور کلی ضمانت اجرا، حتمی و قطعی نبوده و با جرم ارتكابی نیز تناسبی نداشته باشد؛ چراکه آنچه مهم است، شخصیت مجرم یا منحرف است نه عمل ارتكابی. (لازرژی، ۱۳۹۲: ۶۵)

۱-۳-۱-۱- سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی قضایی به معنای مضیق آن، یعنی سیاست جنایی که در آن تصمیم‌ها و عملکرد دادگاه‌ها منعکس است. پس‌از آن قانون‌گذار، سیاست جنایی خود را در قالب قوانین و مقررات پیاده کرده و این قوانین و پیام‌های قانون‌گذار، به‌صورت‌های متفاوتی درک و پذیرفته می‌شود. قانون به تبیین اصول و مبانی کلی نظام کیفری یک جامعه پرداخته و تفسیر و تطبیق آن را در موارد خاص به قضات محاکم واگذار نموده است. این امر یعنی روح بخشیدن به الفاظ خشک و بی‌روح قوانین و فعلیت بخشیدن به آن‌ها. به بیان دیگر «سیاست جنایی

سیاست جنایی در پی سرکوبی مجرم نیست. سیاست جنایی دارای دو تعریف مضیق و موسع است که عبارت‌اند از:

۱-۱-۱- معنای مضیق

تعریف مضیق از سیاست جنایی، بر پایه برخورد قدیمی و سنتی با جرم بنا گردید. در این تفکر، نظام کیفری برای مبارزه با جرم کفایت می‌کرد. در این دیدگاه سیاست جنایی عبارت است از: سیاست‌های اتخاذی در قبال جرم که منحصر به برخورد کیفری از طریق سیستم قضایی است. از آنجا که دستگاه دولتی نهادی دولتی هست، «دولتی بودن» در این سیاست، امری ضروری است. همچنین مبارزه با انحراف، مشمول این سیاست نیست؛ زیرا سیستم کیفری تنها صلاحیت رسیدگی به «جرایم» را دارد. سیاست جنایی تنها برخوردی حقوقی با پدیده جنایی است و ابزار آن مجازات و اقدام‌های تأمینی و تربیتی است. به هر حال سیاست جنایی در معنای مضیق، همان سیاست کیفری است.^۱

۱-۲-۱- معنای موسع

سیاست جنایی در معنای موسع، تنها به اقدامات کیفری بسنده نمی‌کند و تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... را نیز دربرمی‌گیرد؛ بنابراین تفکر سیاست جنایی، کلیه تدابیری است که در مقابله با جرم^۲ و انحراف^۳ توسط دولت و جامعه اتخاذ می‌شود. (قیاسی، ۱۳۸۵: ۴۰-۴۱)

در مفهوم اخیر سیاست جنایی در قلمرو وسیع‌تری به نام «سیاست عمومی» یک کشور واقع می‌شود. بدین معنا که قوای عمومی یک دولت در سطوح بالا و نه صرفاً سازمان‌های قضایی و پلیسی آن، در برنامه‌ریزی و اجرای آن شرکت دارند. منظور از اصلاح سیاست جنایی در این نوشتار، معنای موسع آن می‌باشد.

۱-۳-۱-۱- اقسام سیاست جنایی

^۱ - امروزه سیاست کیفری یکی از زیر مجموعه‌های سیاست جنایی به شمار می‌رود و تنها شامل اقداماتی است که نظام کیفری از طریق قوه قضاییه و به کار بستن قواعد جزایی به آن می‌پردازد.

^۲ - Crime.

^۳ - Deviance.

قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی، آن طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می‌گیرد». (قیاسی، ۱۳۸۵: ۲۹)

۱-۳-۳- سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی به معنی تعیین میزان مشارکت مؤثر و فعال جامعه مدنی در سیاست جنایی است؛ به عبارت دیگر در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی ایجاد ابزارها و اهرم‌های تقویتی دیگری به‌غیر از پلیس یا قوه قضاییه به‌منظور اعتبار بخشیدن به طرح سیاست جنایی است که به‌وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران، با الهام از مبانی فقهی و بدون توجه به مباحث جدید علمی پیرامون این موضوع، ضوابط و مقررات قابل‌توجهی برای مشارکت جامعه مدنی در این زمینه فراهم نموده است که برجسته‌ترین جنبه آن، به مشارکت بزه‌دیده در فرایند کیفری مربوط می‌شود. ضمن اینکه جامعه مدنی ایران با تکیه بر تکالیف و آموزه‌های دینی و پشتوانه فرهنگ و سنت غنی مشارکتی خود، از قابلیت‌ها و بسترهای مناسبی در این راستا و به‌ویژه در مورد پیش‌گیری از بزه‌کاری برخوردار هست. اگرچه تاکنون از این مبانی و بسترها به نحو مطلوب و کامل استفاده نشده است اما این واقعیت در مجموع، سیاست جنایی نظام مذکور را از لحاظ محتوایی و علمی مشارکتی کرده و جلوه‌های متنوع و بعضاً ناب و منحصر به فردی از لحاظ مشارکت ارکان جامعه مدنی در مراحل مختلف است. در نتیجه، سیاست جنایی با استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس یا نظام نیمه آزادی و سیاست جنایی مشارکتی اهرم‌های مردمی (علاوه بر ابزارهای قضایی و قانونی)، سعی در رسیدن به اهداف سیاست جنایی مطلوب را دارند.

در یک نوع تقسیم‌بندی دیگر، سیاست جنایی به دو دسته علمی و ارزشی تقسیم می‌شود. سیاست جنایی علمی سیاستی است که بر داده‌های علمی از جمله یافته‌های جرم‌شناسی تکیه دارد؛ به‌عنوان مثال اگر بررسی‌ها نشان دهد که از لحاظ آماری میان افزایش ازدواج و ارتکاب جرم، رابطه معکوس و میان مصرف مشروبات الکلی و ارتکاب جرم، رابطه مستقیم وجود

دارد، بر اساس سیاست جنایی علمی، توصیه می‌شود که مشروبات الکلی ممنوع گردد، اما تسهیلات ازدواج در جامعه بیشتر شود. در مقابل سیاست جنایی ارزشی^۱ سیاستی متکی بر بایدها و نبایدهایی است که محصول تحقیقات میدانی و آمارهای جنایی نبوده بلکه مستند به اصول اخلاقی فرمان‌های شرعی یا ارزش‌های فرهنگی جامعه است. (قیاسی، ۱۳۸۵: ۷۵-۷۳)

۱-۳-۴- سیاست جنایی اجرایی

منظور از سیاست جنایی اجرایی این است که حکومت باید برای بهتر اعمال کردن قوانین داخلی، از قوه مجریه استفاده نماید. این به آن معنا است که قوه مجریه نیز از سیاست خاص خود برخوردار است که در قالب بخش‌نامه‌ها و مصوبات هیأت دولت تبلور می‌یابد. بنابراین سیاست جنایی اجرایی عبارت است از: چگونگی اجرای قوانین و احکام قضایی در مورد کنترل جرم و واکنش‌های ضد آن. (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۸۵)

درواقع مرحله عملی سیاست جنایی تقنینی را سیاست جنایی اجرایی می‌نامند.

۱-۳-۵- سیاست جنایی پیش‌گیرانه

مفهوم پیش‌گیری از وقوع جرم که در گذشته به‌طور عمده از رسالت‌های حقوق کیفری به شمار می‌آمد امروزه متحول شده و مفهوم آن گسترش یافته است به‌نحوی که توجه به مفهوم خاص پیش‌گیری جرم‌شناسانه در تدوین سیاست جنایی در کنار پیش‌گیری کیفری سابق قرار گرفته است تا بدان حد که سیاست جنایی نمی‌تواند نسبت به نتایج جرم‌شناسی بی‌بهره باشد. از این دیدگاه پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان دو نوع است: یکی پیش‌گیری عام؛ و دیگری پیش‌گیری خاص است.

۱-۳-۵-۱- پیش‌گیری عام

پیش‌گیری در معنای عام عبارت از کلیه اقدامات و تدابیری است که برای مبارزه با بزهکاری صورت می‌گیرد اعم از واکنش‌های جامعه علیه جرم از قبیل مجازات یا اقدامات

^۱ - ایدئولوژیک.

برای شناخت مفهوم و قلمرو جرایم منافی عفت باید به بررسی و شناخت جرایم منافی عفت پرداخت.

۱-۲-۱- مفهوم لغوی عفت

عفت در لغت به معنای پاکدامنی و عفاف آمده است و در ترمینولوژی حقوق چنین تعریف شده است: عفت معروف است و عفت عمومی درجه‌ای است از عفت که نوع مردم (نه عموم) علاقه به صیانت آن داشته باشند و تابع شرایط زمان و مکان است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳: ۴۳۵) و به معنای باز ایستادن از حرام، پارسایی کردن، پرهیزگاری، پارسایی، پاکدامنی و ترک شهوت آمده است. (عمید، ۱۳۶۳: ۸۶۸).

از مجموع معانی مذکور برای عفت می‌توان نتیجه گرفت که عفت، نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه بازمی‌دارد. به‌رحال از آیات قرآن مجید و روایات اسلامی استفاده می‌شود که عفت، از بزرگ‌ترین فضایل انسانی است و هیچ‌کس در سیر الی الله بدون داشتن عفت به‌جایی نمی‌رسد. در زندگی دنیا نیز آبرو و حیثیت و شخصیت انسان در گرو عفت است؛ بنابراین منافیات عفت، به اعمالی اطلاق می‌گردد که با پارسایی، پرهیزگاری، پاکدامنی و ترک شهوت مغایرت و منافات داشته باشد.

۱-۲-۲- مفهوم اصطلاحی عفت

در اصطلاح حقوقی مقصود از عمل منافی عفت «هرگونه رابطه جنسی و غیرمتعارفی است که وجود آن جز با زن و شوهر شرعی و قانونی مجاز نیست.» (شامبیاتی، ۱۳۸۵: ۵۴۴) یکی دیگر از حقوق‌دانان معتقدند: اعمال منافی عفت عبارت است از هرگونه روابط جنسی ناشی از تمایل زن و مرد با یکدیگر است که از حدود متعارف جامعه فراتر باشد به‌نحوی که جامعه نتواند از آن چشم‌پوشی کند؛ بلکه به‌عنوان یک عمل ضد عفت و اخلاق عمومی مردود و مستحق مجازات می‌باشد. (ولیدی، ۱۳۹۴: ۵۲) بدین منوال قلمرو و حدود روابط جنسی غیرمجاز، ضد عفت و اخلاق عمومی برحسب مکان و زمان و در اجتماعات مختلف متفاوت هست به‌طوری که در آن واحد، عملی که در یک کشور بر اساس طرز

تأمینی و تربیتی و جبران ضرر و زیان مجنی‌علیه، فردی کردن مجازات‌ها و اعطای آزادی مشروط و استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس، بازپروری و یا هر اقدامی که برای اصلاح مجرم و جلوگیری از تکرار جرم در آینده صورت می‌گیرد. (غلامی، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۵) همچنین سایر نمودهای واکنش اجتماعی که در جهت تقلیل یا از بین بردن علل بزهکاری و قبل از وقوع جرم به منظور خنثی کردن عوامل جرم‌زای محیط خانوادگی-اجتماعی بزهکار که در تکوین جرم مؤثرند به‌عمل می‌آید و نیز فعالیت‌هایی که برای جلوگیری از فعلیت یافتن اندیشه‌های مجرمانه بزهکاران در جامعه صورت می‌گیرد. بنابراین مفهوم پیش‌گیری در معنای عام طیف وسیعی از انواع پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین را اعم از پیش‌گیری کیفری و پیش‌گیری غیرکیفری را در برمی‌گیرد.

۱-۳-۱-۲- پیش‌گیری خاص

پیش‌گیری خاص عبارت از تعیین و استفاده از مجموع وسایل و تدابیری است که با هدف مهار کردن بهتر بزهکاری، از طریق از بین بردن یا خنثی کردن عوامل جرم‌زای محیط زندگی بزهکار بدون توسل به اعمال مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی و قبل از وقوع جرایم در یک جامعه معینی یا یک شهر یا منطقه‌ای از یک شهر اجرا می‌شود. (نجفی-ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۵۴)

طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضائیه «اقدام مناسب برای پیش‌گیری از وقوع جرم...» است. با توجه به تاریخ و شیوه‌های مبارزه بشر با پدیده جرم، جرم‌شناسان پیش‌گیری از جرم را به دو گونه پیش‌گیری کیفری و پیش‌گیری غیرکیفری نیز تقسیم کرده‌اند، اصطلاح پیش‌گیری از جرم در معنای موسع خود شامل اقدامات کیفری و غیرکیفری برای خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری می‌شود اما در معنای مضیق، پیش‌گیری فقط تدابیر غیرکیفری را شامل می‌شود.

۱-۲-۱- جرایم منافی عفت

حدود جمع حد در لغت عرب به معنی منع و جلوگیری است و در اصطلاح همان مجازات مصرح در قانون است در قرآن مجید برای چهار جرم حد معین شده است، سرقت^۱، محاربه^۲، زنا^۳ و قذف^۴ و در احادیث نیز برای چهار جرم دیگر کیفر حد مقرر شده و آن عبارت است از حد مسکر و حد لواط و مساحقه و قوادی. (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۵: ۴۶۲)

انتخاب این اسم برای بخشی از مجازات‌های شرعی به این جهت است که سبب منع مردم از کارهای خلاف می‌شود و اما در اصطلاح شرع، به معنی مجازات مخصوصی است که به خاطر ارتکاب بعضی از گناهان در مورد مکلفین اجرا می‌شود. پس حد به معنای مجازات است، ولی مجازاتی که توسط شرع (دین اسلام) به طور شفاف مشخص شده است. در قانون مجازات اسلامی، تحت عنوان حدود پنج نوع جرم منافی عفت ذکر شده است که عبارت‌اند از: زنا، لواط، مساحقه، قوادی و قذف.

۱-۳-۱- جرایم منافی عفت مستلزم تعزیر

تعزیر از ماده عزر و به معنای، تأدیب، ملایمت و سرزنش می‌باشد. به‌طور کلی تعزیر در مورد کلیه تخلفات و گناهان کبیره‌ای که از فرد سرزده می‌باشد به شرط آنکه برای ارتکاب آن در شرع حدی معین نشده باشد. (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۵: ۴۷۷)

با توجه به کلام فقها و روایات و نصوص وارده تعزیر منحصر به شلاق مأذون حد نمی‌باشد بلکه سایر کیفرهای دیگر نظیر حبس، جزای نقدی و ... تعزیرات هستند. (مکارم شیرازی، ۵۲: ۱۳۸۷-۴۴؛ امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵: ۴۷۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۵۰)

کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان تعزیرات مقررات ویژه‌ای درباره جرایم منافی عفت انشا نموده است. فصل هیجدهم این بخش به جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی

تلقی مردم غیرمجاز و نامشروع و مشمول عنوان منافی عفت و اخلاق عمومی می‌باشد ممکن است همان عمل و رابطه در کشور دیگری مجاز و مشروع شناخته شود، مثلاً امروزه در برخی از جوامع غربی از قبیل کشورهای فرانسه، انگلستان و آمریکا و سایر کشورهای اروپایی رابطه بین زن و مرد را در حد بوسیدن و بغل کردن یکدیگر، عمل منافی عفت نمی‌دانند در صورتی که ارتکاب چنین رفتاری بین زن و مردی که علقه زوجیت بین آن‌ها نباشد در کشورهای اسلامی من جمله جمهوری اسلامی ایران از مصادیق جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی است و مستحق مجازات می‌باشد همین‌طور ازاله بکارت دختر ۲۰ ساله با رضایت او توسط مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد در برخی از کشورهای غیر اسلامی مثل آمریکا، شیلی، آلاسکا و انگلستان جرم نیست مگر اینکه عمل مشمول عنوان هتک ناموس به عنف باشد که در آن صورت جرم و قابل مجازات می‌باشد و حال آنکه در کشورهای اسلامی ازاله بکارت جرم منافی عفت تلقی می‌گردد. (عنصری فرد، ۱۳۸۳: ۱۹).

از نظر ماهوی، اصطلاح جرایم منافی عفت عنوان عامی است که شامل چندین جرم می‌شود و می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را جرایم زنا و لواط دانست. این عنوان از لحاظ مفهومی به معنای جرایمی است که عفت عمومی را نقض می‌کنند. (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۸۰)

با توجه به تعاریف ارائه شده در قلمرو منافی عفت اختلاف نظر وجود دارد لیکن این نظر که منافیات عفت اعم است از هتک ناموس، هتک عفت و جریحه‌دار کردن عفت عمومی، موجه‌تر به نظر می‌رسد. در یک تعریف کلی جرایم منافی عفت به مجموعه جرایمی اطلاق می‌شود که از نظر عرف یک جامعه با عفت ناسازگار باشد و عفت عمومی را نقض کند؛ اما تعیین مصادیق این جرایم به سادگی ممکن نیست و به شرایط فرهنگی، مکانی و اجتماعی بستگی دارد.

۱-۳-۳- جرایم منافی عفت مستلزم حد

^۱ - ماده ۲۷.

^۲ - ماده ۳۳.

^۳ - نور/۲.

^۴ - نور/۳.

در صورتی که چنین سیاستی اعمال شود، می‌تواند دارای نتایج مطلوب در زمینه پیش‌گیری و برخورد با بزهکاری باشد.

۱-۲- رویکرد نظام حقوقی ایران

سیاست جنایی تقنینی نخستین لایه سیاست جنایی هر سرزمین است و دربرگیرنده تدبیر و چاره‌اندیشی قانون‌گذار درباره جرم و پاسخ به آن است که با توجه به وابستگی سیاست جنایی هر کشور به نظام سیاسی آن، حالت‌های مختلفی به خود می‌گیرد. (لازرژی، ۱۳۹۲: ۱۷) به‌منظور بررسی و تشخیص سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در برابر جرایم منافی عفت تعزیری، نخست تمامی مواد مربوط به این جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در ماده ۶۳۷ آمده است: «هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند به شلاق تا نودونه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود.» طبق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی که شلاق از سی‌ویک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نودونه ضربه در جرایم منافی عفت را از درجه شش به شمار آورده و طبق تبصره ۲ همین ماده که مقرر می‌دارد: «مجازات آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود.» ارتکاب این جرم مستوجب مجازات تعزیر درجه شش است. طبق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی «هرکس علناً در انظار عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار می‌نماید، فقط به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» مجازات ارتکاب علنی جرایم نیز مانند ماده ۶۳۷ از درجه شش تعزیری به شمار می‌آید. تبصره: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا از ۵۰ هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» بر طبق ماده ۱۹ ق.م.ا که حبس تا سه ماه و جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال و

اختصاص یافته است. به‌موجب ماده ۶۳۷ ق.م.ا.: «هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع و یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود؛» و در ماده ۶۳۸ ق.م.ا. آمده است: «هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به فعل حرام نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» در ارتباط فصل هیجدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی عناوین مجرمانه منافی عفت عبارت‌اند از: رابطه نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا؛ زنا با اقرار کمتر از چهار مرتبه؛ قرار گرفتن دو مرد به‌طور برهنه در زیر یک پوشش؛ بوسیدن از روی شهوت؛ قرار گرفتن دو زن به‌طور برهنه زیر یک پوشش؛ حضور زنان در معابر و انظار عمومی بدون حجاب شرعی؛ تظاهر به عمل حرام (علناً در انظار و اماکن عمومی)؛ دایر کردن اماکن فساد؛ پوشیدن لباس و آرایش خلاف شرع و موجب فساد؛ به‌نمایش گذاشتن عکس یا فیلم‌های مبتذل و تجارت آن‌ها. اعمال مذکور با صراحت در قوانین مدون جمهوری اسلامی ایران عنوان شده است. چنانچه گفته شد همه اعمال منافی عفت در قوانین موضوعه عنوان نگردیده است. بعضی از اعمال مانند: «روسی‌گری»، «تشویق جوانان به فساد و شهوت‌رانی»، «زاله بکارت بدون زنا» و «تأمین زندگی از عواید فحشاء زنان» و نظایر این‌ها عنوان کیفری خاصی ندارد.

۲- اقسام سیاست جنایی ایران در جرایم منافی عفت تعزیری

سیاست جنایی یک کشور با توجه به مواد قانونی مربوط به جرم‌انگاری و تعیین مجازات و قوانین آیین دادرسی کیفری نمودار می‌شود. سیاست جنایی مفید سیاستی است که از جهات گوناگون تقنینی، قضایی و اجرایی به‌طور هماهنگ عمل شود.

شلاق تا ده ضربه را درجه هشت به شمار آورده است. حضور بدون حجاب در انظار عمومی مستوجب مجازات تعزیری درجه هشت است.

نکته قابل ذکر آن است که؛ برخلاف گمان برخی از مردم به خصوص زنان و دختران، از دیدگاه قانون برهنه بودن چه تمام چه بخشی از موی سر و یا هر بخش دیگر از بدن، بی حجابی محسوب می شود و ما عنوان مجرمانه‌ای تحت نام «بدحجابی» نداریم.

ماده ۶۳۹ ق.م.ا نیز مقرر می دارد: «افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می شوند و در مورد بند الف - علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوط به طور موقت توسط دادگاه بسته خواهد شد: الف - کسی که مرکز فساد یا فحشاء دایر یا اداره کند. ب - کسی که مردم را به فساد یا فحشاء تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید. تبصره - هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می گردد.»

بررسی مواد قانونی مربوط به جرایم منافی عفت تعزیری و با توجه به سیر تغییرات در قوانین پس از پیروزی انقلاب اسلامی و این که احکام تحت تأثیر دیدگاه فقهای شیعه و بر طبق دیدگاه ایشان تنظیم گردید، نشان می دهد که در زمینه جرایم منافی عفت تعزیری تغییرات چندانی صورت نگرفته است. در نتیجه سیاست جنایی یکسانی درباره این جرایم دنبال شده است.

یکی از حقوق دانان در زمینه سیاست جنایی تقنینی ایران می گوید: نکته‌ای که در زمینه سیاست جنایی تقنینی باید بیان شود آن است که؛ قانون گذار باید یک انسان متخصص، متعهد و هنرمند باشد و علت ضعف قانون نویسی را باید در توجه بیش از حد به حقوق جزای شرعی دانست، از آنجا که بیشتر قانون مجازات اسلامی، ترجمه کتب فقهی بدون در نظر گرفتن زمان و مکان است، انتظار بیشتری هم از این قانون نمی رود که به ظرافت قانون نویسی توجه کند. تدوین سیاست جنایی یک کشور که دربرگیرنده سیاست عمومی آن سرزمین است، نیازمند تخصص است، انتخاب قانون گذار باید به گونه‌ای باشد که تسلط به مسائل و آگاهی به علوم جدید را خدشه دار نکند.

انتخاب اشخاص شایسته اما بی اطلاع، همان اندازه مضر است که انتخاب افراد آگاه اما فاقد صلاحیت. قوه قانون گذاری باید متفکر، متخصص و دارای صلاحیت‌های ضروری باشد تا بتواند در تدوین سیاست جنایی پویا و هدفمند مشارکت فعال داشته باشد. قانون نویسان ما از روش علمی در تدوین قوانین بهره‌ای نبرده‌اند و تعجیبی ندارد که در پی تصویب قوانین، بلافاصله ناچار به اصلاحاتی در آن باشند. (نجفی توانا، ۱۳۸۹: ۱۶۵)

متأسفانه این مسئله در زمینه جرایم منافی عفت نیز وجود دارد. آنچه از ملاحظه قوانین کیفری در زمینه جرایم منافی عفت و مطالب مطرح شده در این زمینه قابل بیان و دارای اهمیت می باشد، آن است که؛ سیاست جنایی تقنینی ایران در جرایم منافی عفت تعزیری از سیستم سزادهی و تعیین کیفر استفاده نموده است و نگرش قانون گذار یک نگرش مجرمانه و کیفرمحور است و با تأکید بر نقش بازدارندگی مجازات و تعیین کیفر حبس و شلاق و جریمه نقدی نمود پیدا کرده است. با توجه به مذهبی بودن جامعه ایران و حساسیت قشر مذهبی نسبت به این مسأله و دیدگاه سنتی درباره جرایم منافی عفت، قانون گذار از اهداف سزادهی، سرکوب گرایانه، ارعایی و بازدارنده استفاده نموده است. درعین حال با توجه به قاعده ممنوعیت تعقیب در جرایم منافی عفت نشانگر این نکته است که قانون گذار هر چند سیاست جنایی کیفرمحور و سزا دهنده را در زمینه این جرایم پذیرفته است اما درعین حال سیاست قانون گذار بر پنهان ماندن این جرایم و علنی نشدن این جرایم است. از این رو در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ برای نخستین بار واژه اشاعه فحشا در تبصره ماده ۶۹۷ این قانون در فصل افترا و توهین و هتک حرمت به کار رفت، در ماده ۶۹۷ مقرر شده است: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها حسب مورد محکوم خواهد شد. تبصره: در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا

است که مجریان و سران سیاست جنایی قضایی از قانون‌گذار کیفری دریافت می‌کنند. پس سیاست جنایی قضایی نتیجه کار قوه قضائیه در حوزه عملکرد، رویه قضایی و احکام صادره از دادگاه‌ها است. از سویی با توجه به استقلال قضاوت در تصمیم‌گیری و تفاوت آرای قضاوت درباره یک حکم، سیاست تقنینی به شکل واحد در آرای قضایی آشکار نمی‌شود و از سیاست تقنینی دور می‌شود. می‌توان گفت سیاست جنایی قضایی با واقع‌بینی بیشتر و توجه به واقعیت‌های اجتماعی اقدام به صدور حکم می‌نمایند. در جریان بررسی پرونده و صدور حکم مسائل مربوط به تشدید و تخفیف و تعلیق مجازات و تعویق صدور حکم دارای اهمیت است.

۲-۱- مرجع رسیدگی به جرایم منافی عفت تعزیری

با استناد به ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری به جرایم منافی عفت به‌طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود؛ یعنی جرایم منافی عفت مرحله تحقیقات مقدماتی را سپری نمی‌کنند و وارد مرحله دادرسی نمی‌شوند و به‌طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شوند.

بر اساس ماده ۳۰۱ همین قانون، دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد، مگر آنچه به‌موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد؛ یعنی اگر جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی نباشد، در صلاحیت دادگاه کیفری دو است. طبق ماده ۳۰۴ به تمامی جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. به‌موجب ماده ۲۹۵، دادگاه کیفری دو با حضور رئیس یا دادرسی‌علی‌البدل در حوزه قضایی هر شهرستان تشکیل می‌شود.

با توجه به اینکه مطابق ماده‌ی ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی به جرایم زیر در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار دارد:

محسوب گردد هرچند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.» که به این وسیله قانون‌گذار، حتی در صورتی که جرایم منافی عفت واقعاً رخ داده باشد، پخش اخبار مربوط به آن را جرم‌انگاری نموده است.

جرایم منافی عفت و اشاعه فحشا هر دو مربوط به فحشا و جرایمی است که زیرمجموعه این عنوان قرار می‌گیرند، البته جرایم منافی عفت مربوط به ارتکاب چنین جرایمی است اما اشاعه فحشا مربوط به گسترش دادن و علنی کردن چنین جرایمی است که می‌تواند توسط مرتکب جرم منافی عفت رخ دهد یا این‌که شخصی بدون ارتکاب این جرم تنها به اشاعه فحشا بپردازد. پس با توجه به این‌که اشاعه فحشا به معنای انتشار و آشکار نمودن فحشا در جامعه است، پس اشاعه فحشا با جرایم منافی عفت فرق دارد، اما ممکن است شخص اقدام به اشاعه فحشای عملی نماید که خودش مرتکب آن شده است که در این صورت عمل او دارای هر دو عنوان است. درواقع رابطه این دو جرم عموم و خصوص من وجه است. (تقی‌خانی، تلخایی، ۱۳۹۰: ۱۰۴) پس سیاست جنایی تقنینی ایران بر عدم کشف جرایم منافی عفت و درعین حال استفاده از سیستم سزادهی و تعیین کیفر است.

۲-۲- سیاست جنایی قضایی ایران در برابر جرایم منافی عفت

تعزیری

سیاست جنایی قضایی، رویه قضایی و تصمیمات و احکام دادگاه‌ها است. یکی از اصل‌های پذیرفته‌شده در آیین دادرسی، اصل استقلال قضاوت است، از این‌رو مجازات‌های تعیین‌شده در قوانین کیفری به‌طور یکسان در آرای دادگاه‌ها مشاهده نمی‌شود. استنباط قضاوت یکسان نیست و با توجه به اوضاع و احوال هر پرونده و استنباط قاضی، آرای متفاوتی مشاهده می‌شود و در نتیجه سیاست جنایی قضایی از سیاست تقنینی فاصله‌دار می‌شود.

سیاست جنایی قضایی می‌تواند متأثر از رویه قضایی، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها، آرای دیوان عالی کشور و موارد مشابه باشد. سیاست جنایی قضایی درواقع دریافت و تعبیری

مانند رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده، ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم مانند کهولت یا بیماری و ... است.

هرچند طبق ماده ۴۰ همین قانون در جرایم تعزیری درجه شش تا هشت پس از احراز مجرمیت متهم باملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود جهات تخفیف، پیش‌بینی اصلاح مرتکب، فقدان سابقه کیفری مؤثر و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیب جبران، صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق بیندازد و طبق ماده ۴۶ ق.م.ا امکان تعلیق مجازات در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت در صورت وجود شرایط تعویق حکم، وجود دارد و دادگاه می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید؛ اما ماده ۴۷ این قانون تعویق و تعلیق برخی جرایم را ممکن نمی‌داند و در بند (پ) جرایم علیه عفت عمومی را از این جمله می‌داند و در نتیجه جرایم علیه عفت عمومی از قلمرو جرایمی که می‌تواند مورد تعویق یا تعلیق قرار بگیرد خارج می‌شود و فقط از امکان تخفیف مجازات بهره‌مند است. البته طبق مواد ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ امکان استفاده از نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط در جرایم منافی عفت البته در نظام نیمه آزادی، مشروط بر این‌که مجازات درجه پنج تا هفت باشد، قابل اعمال است. طبق ماده ۵۶ ق.م.ا نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که در آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی و نظایر این‌ها را در خارج از زندان انجام دهد.

۲-۲-۲-۲- عوامل تشدید مجازات جرایم منافی عفت

تعدد و تکرار جرم به‌عنوان عوامل تشدیدکننده مجازات هستند، طبق ماده ۱۳۱ ق.م.ا هرگاه رفتار مجرمانه واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود که تعدد جرایم منافی عفت به‌عنوان یک جرم تعزیری طبق این ماده موجب محکومیت مرتکب به مجازات اشد است. تکرار جرم نیز به‌عنوان عامل دیگری در تشدید مجازات است، اگر جرایم منافی عفت طبق ماده ۱۳۷ ق.م.ا تکرار گردد یعنی

الف) جرایم موجب مجازات سلب حیات: مجازاتی همچون قصاص نفس در مورد جرم قتل، اعدام در مورد جرم تجاوز به عفت، رجم در مورد زناى محصنه و

ب) جرایم موجب حبس ابد.

پ) جرایم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه‌ی کامل یا بیش از آن؛

ت) جرایم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر: منظور جرایم مستوجب مجازات - تعزیری درجات سه، دو و یک است. این درجات به‌طور خلاصه عبارت‌اند از حبس بیش از ده سال، جزای نقدی بیش از ۳۶۰ میلیون ریال، مصادره‌ی کل اموال و انحلال شخص حقوقی در مورد شرکت‌ها.»

مشخص می‌شود که دادگاه صالح برای رسیدگی به جرایم منافی عفت تعزیری، دادگاه کیفری دو است چون این جرایم در درجات چهار تا هشت قرار می‌گیرند. با توجه به رأی وحدت رویه ۷۶۸ تاریخ ۹۷/۴/۲ اگر جرایم منافی عفت در دادگاه کیفری دو مورد بررسی قرار گیرند، هر رأیی که صادر شود مرجع تجدیدنظر، دادگاه تجدیدنظر استان است.

۲-۲-۲-۲- عوامل مؤثر بر تعیین و میزان مجازات جرایم منافی

عفت تعزیری

یکی از مسائلی که در تعیین سیاست جنایی قضایی مؤثر است، عواملی است که می‌تواند موجب تخفیف یا تشدید مجازات یک جرم شود.

۲-۲-۲-۱- تخفیف و تعویق و تعلیق مجازات جرایم منافی

عفت تعزیری

طبق ماده ۳۷ ق.م.ا در صورت وجود یک یا چند مورد از جهات تخفیف دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را کاهش دهد یا به مجازات دیگری تبدیل نماید، از آنجا که این حکم برای مجازات تعزیری به‌طور مطلق بیان شده است، شامل جرایم منافی عفت تعزیری نیز می‌شود و قابل تخفیف است. جهات تخفیف دربرگیرنده مواردی همچون همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم،

و تدابیری در سیستم قضایی وجود دارد که به مرور زمان خاصیت سزادهی و ارعابی کیفر را به کمترین مقدار کاهش داده است.

ارتکاب جرایم منافی عفت تعزیری با توجه به فضای مجازی و اینترنت، توسعه یافته، نحوه رسیدگی به آن، دیدگاه و تفسیر قضات در رسیدگی به آن و مهم‌تر از همه ساختار دستگاه قضایی در نحوه برخورد با آن از عوامل مؤثر و مهم در بحث سیاست جنایی قضایی هست بدین مفهوم که مقام تعقیب یا رسیدگی‌کننده یا مقام اجرای حکم، چنانچه عزم جدی در برخورد با این جرم نداشته باشند خود عامل تسهیل ارتکاب این جرایم خواهند بود و در چنین شرایطی نه تنها انتظار کاهش جرم وجود نخواهد داشت بلکه این عوامل به افزایش آمار واقعی جرم موردنظر در جامعه کمک خواهند نمود.

سرانجام می‌توان گفت برای حرکت به سوی یک سیاست جنایی قضایی منسجم، مدون و مقتدر می‌بایستی به اصلاح قوانین از طریق مراجع قضایی در قالب گروه‌های خاص و تخصصی و استفاده از ظرفیت‌های موجود و نظریات حقوقدانان و قضات جهت عینیت بخشیدن هرچه بیشتر قوانین و مطابقت با نیازهای روز جامعه همت گماشت. بدون شک صراحت و جامعیت و مانعیت قوانین و برگزاری نشست‌های قضایی جهت وحدت بخشیدن به عملکرد دادسراها و دادگاه‌ها در موضوعات خاص و ارجاع پرونده‌ها به صورت تخصصی و شعب مراجع قضایی می‌تواند در رسیدن به مطلوب مؤثر باشد. البته از سویی باید به این نکته توجه نمود که سیاست جنایی قضایی با توجه به واقعیات اجتماعی و شرایط واقعی و روابطی که در اجتماع وجود دارد و تغییراتی که در ارزش‌ها و روابط به وجود آمده اقدام به برخورد با مجرمین می‌نماید و شاید آسان‌گیری در زمینه جرایم منافی عفت ناشی از این مسأله باشد.

۳-۲- سیاست جنایی اجرایی و مشارکتی ایران در جرایم منافی عفت تعزیری

اجرای سیاست جنایی تقنینی و نحوه اجرای واکنش اجتماعی علیه جرم را سیاست جنایی اجرایی می‌نامند، چون هدفش

شخصی پس از محکومیت قطعی به یکی از مجازات تعزیری درجه یک تا شش تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری شود، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم خواهد شد.

۲-۲-۳- نقدی بر سیاست جنایی قضایی در جرایم منافی عفت تعزیری

از آنجا که با توجه به اصل ۴ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.» لازمه تحقق این اصل از اصول قانون اساسی پیش‌بینی تضمینات حقوق ملت و فعالیت‌های دادگاه‌ها بر اساس تعالیم و دستورات قرآنی و اسلامی من جمله انطباق موازین و قوانین و محاکمات با قرآن کریم است که می‌فرماید: «و لاتجسسوا» هرگونه تحقیق و تجسس و تفحص و عیب‌جویی از دیگران را ممنوع می‌نماید و به موجب اصل ۲۵ قانون مزبور «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.» در اصل ۲۵ قید عبارت «هرگونه تجسس» تصریح کامل و قاطعی بر ممنوعیت تحقیق و تفحص در امور منافی عفت نیز می‌تواند باشد.

از این رو در سیاست جنایی قضایی آنچه درباره جرایم منافی عفت تعزیری از جنبه سیاست جنایی قضایی مشخص است این است که برخلاف سیاست جنایی تقنینی که کیفرمحور و سرکوبگر است در سیاست جنایی قضایی با توجه به امکان تخفیف مجازات، دیدگاه تساهل، انعطاف، آسان‌گیری و تسامح حاکم است. در سیاست قضایی با وجود امکان انتخاب مجازات، تخفیف، تبدیل مجازات و جریمه نقدی، نوعی اعمال ملاحظت

۲-۳-۱- سیاست جنایی مشارکتی فعال

سیاست جنایی مشارکتی فعال یعنی استفاده از نیروهای اجرایی دولتی و مردم برای اقداماتی مؤثر قبل از وقوع جرم برای پیش‌گیری از وقوع جرم است. یکی از مسائلی که در ایران به خاطر مذهب رسمی شیعه و دین اسلام در این زمینه مورد تأیید قرار گرفته است، امر به معروف و نهی از منکر است که اگر با شرایط صحیح آن و طبق دستورات دینی اجرا شود، می‌تواند از وقوع جرم با استفاده از عموم مردم پیش‌گیری نماید. طبق اصل هشتم قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند؛ و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض، یا امرن بالمعروف و ینهون عن المنکر» بر طبق حکم دین، امر به معروف و نهی از منکر وجوب شرعی دارد یعنی انسان نمی‌تواند نسبت به رفتار دیگران بی‌تفاوت باشد و نسبت به رفتار دیگران مسؤول است و باید آن‌ها را به نیکی دعوت کند و از بدی دور نماید.

با توجه به مشکلاتی که در جریان امر به معروف و نهی از منکر ایجاد شد، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر طی ماده ۲۴ در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. طبق ماده ۱ این قانون «در این قانون، معروف و منکر عبارت‌اند از هرگونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به‌عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد.» و طبق ماده ۲ «امر به معروف و نهی از منکر، دعوت و واداشتن دیگران به معروف و نهی و بازداشتن از منکر است.»

در کنار امر به معروف و نهی از منکر نماز نیز یکی از تدابیر اسلام برای پیش‌گیری از جرایم، احکام عبادی و تکلیفی مربوط به مسائل فردی و اجتماعی است. این احکام گذشته از سوق دادن انسان به سوی کمال، نقش مهمی در پیش‌گیری از وقوع جرایم و انحرافات اجتماعی دارد. از جمله آن‌ها نماز است که قرآن در این باره می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ

مشارکت دادن شهروندان و جامعه برای تحقق سیاست جنایی قضایی و تقنینی است می‌تواند سیاست جنایی مشارکتی نامیده شود. هرچند عده‌ای سیاست جنایی مشارکتی را غیر از سیاست جنایی اجرایی می‌دانند. (الهی منش و مرادی، ۱۳۹۴: ۱۱۱-۱۱۰)

مدیران و تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی از راهکارهای گوناگونی برای کاهش جرم و جنایت و جمعیت کیفری استفاده می‌کنند. شرکت دادن مردم در پیش‌گیری از بزهکاری و محاکمه و مجازات محکومین با عنوان سیاست جنایی مشارکتی شناخته می‌شود. سیاست جنایی مشارکتی به معنای تعیین میزان مشارکت فعال و مؤثر جامعه مدنی در سیاست جنایی است. به عبارت دیگر در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی ایجاد ابزارها و اهرم‌های تقویتی دیگر غیر از پلیس یا قوه قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن به طرح سیاست جنایی است. (عظیم زاده و حسابی، ۱۳۹۰: ۱۲۱) در سیاست جنایی مشارکتی از حمایت و مشارکت مردمی به‌عنوان وسیله‌ای برای تحقق اهداف حقوق کیفری استفاده می‌شود که با کمک مردم و مشارکت نهادهای مدنی برای برخورد با پدیده جنایی و کاهش و حذف آن از پیکر اجتماع اقدام شود.

سیاست جنایی مشارکتی به دو گونه کنشی (پیشگیرانه یا فعال) و واکنشی (پاسخگو یا غیرفعال) تقسیم می‌شود. هدف اصلی سیاست جنایی کنشی یا اولیه، پیش‌گیری از ارتکاب جرم یا کاهش آن از طریق فرهنگ‌سازی در رفتارهای اجتماعی است که به آن پیش‌گیری اجتماعی نیز گفته می‌شود و بیانگر نقش مردم در کاهش ارتکاب جرم است. هدف سیاست جنایی مشارکتی واکنشی یا ثانویه، دخالت دادن مردم و نهادهای غیردولتی در فرآیند کیفری، پس از وقوع جرم است. در این رویکرد تنها مرجع پاسخگویی، نهاد عدالت کیفری نیست بلکه از نهادهای مردمی و جامعه در این زمینه کمک گرفته می‌شود. (شیعه علی و زارع، ۱۳۹۴: ۲۸۷) اما سیاست جنایی مشارکتی در زمینه جرایم منافی عفت به هر دو صورت در جامعه جریان دارد.

حیثیتی روبه‌رو است و حفظ حیثیت و عزت و آبروی بزه‌دیده و حتی بزه‌کار در اولویت است.

از نظر اجتماعی حمایت معنوی و روان‌شناسی از کسانی که در معرض چنین جرایمی قرار گرفته‌اند و ارائه خدمات از سوی سازمان‌های حمایتی مانند بهزیستی و گسترش فرهنگ حمایت و همدردی با چنین اشخاصی همگی در راستای سیاست جنایی مشارکتی منفعلی است.

۲-۳-۳- نقش پلیس در سیاست جنایی مشارکتی

نیروی انتظامی یکی از عناصر بسیار مهم در برخورد با پدیده مجرمانه است، زیرا کشف جرم و جمع‌آوری ادله و زمینه‌سازی برای رسیدگی به جرایم توسط پلیس صورت می‌گیرد.

اما درباره جرایم منافی عفت به دلیل قاعده ممنوعیت تحقیق در این دسته جرایم، عملکرد مأمورین در این زمینه با محدودیت روبه‌رو است. وظیفه نیروی انتظامی در برخورد با جرایم منافی عفت محدود به حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم بوده و پس از انجام اقدامات اولیه ادامه روند پیگیری را به مقام قضایی محول می‌کند؛ چنین رویکردی ناظر به جرایم مشهود بوده و در جرایم غیرمشهود که مبتنی بر جرم توسط افراد و گزارش‌های واصله است، نیروی انتظامی حق هیچ‌گونه مداخله‌ای را نخواهد داشت. چنین محدودیتی حتی برای مقامات دادسرا هم پیش‌بینی شده و قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی و پیگیری قضایی را به‌طور خاص در اختیار دادگاه قرار داده است. (فتح‌الهی و تندر، ۱۳۹۵: ۱۵۴)

همان‌گونه که بیان شد، با توجه به مسائل حیثیتی و شدت ناشیست بودن و قبح اجتماعی جرایم منافی عفت، رویکرد شارع و قانون‌گذار بر پنهان ماندن این جرایم و عدم کشف آن‌ها است از این‌رو تحقیق درباره این جرایم محدود به موارد مشخصی شده است تا این جرایم حتی در صورت وقوع، پنهان بماند تا عفت و حیای اجتماعی پابرجا بماند. از این‌رو، نهاد قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی در راستای اجرای سیاست جنایی و کنترل همه‌جانبه نسبت به گسترش پدیده جرایم

و الْمُنْكَر^۱: نماز را به پا دار که نماز انسان را از گناه و زشتی بازمی‌دارد. روزه نیز به‌عنوان خودداری از ارتکاب برخی اعمال می‌تواند یکی از اقدامات و اعمالی باشد که برای پیش‌گیری از وقوع جرم مورد استفاده شارع اسلام قرار گرفته است. از سوی دیگر بالا بردن امنیت در کشور با هر وسیله‌ای مانند حضور فعال پلیس و یا استفاده از دوربین‌های امنیتی و نظارت بر رفتار شهروندان از سوی دولت نیز از اقداماتی است که به‌عنوان نشانه‌های سیاست جنایی مشارکتی فعال در کشور وجود دارند.

۲-۳-۲- سیاست جنایی مشارکتی منفعلی

اقداماتی که پس از وقوع جرم توسط مردم و نهادهای غیردولتی در برابر آن صورت می‌گیرد، نوعی مشارکت منفعلی را نشان می‌دهد. یکی از بارزترین مصادیق به‌کارگیری سیاست جنایی مشارکتی منفعلی، میانجی‌گری است.

میانجی‌گری در لغت به معنای وساطت نمودن و واسطه واقع شدن، وساطت میان دو یا چند نفر به‌منظور برقراری صلح و آشتی است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳) میانجی‌گری تلاش برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز یک اختلاف است. کسی که برای حل‌وفصل دعوا میان دو یا چند نفر تلاش می‌کند میانجی‌گر نام دارد. برای تنظیم و حمایت از این عمل، آیین‌نامه میانجی‌گری تدوین شده است.

ماده ۱ آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری در تعریف میانجی‌گری می‌گوید: «میانجی‌گری فرایندی است که طی آن بزه‌دیده و متهم با مدیریت میانجی‌گر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه‌های جبران خسارات ناشی از آن نسبت به بزه‌دیده و متهم گفتگو نموده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌گردد.» با توجه به این‌که طبق بند ت ماده یک، قلمرو میانجی‌گری محدود به جرایم تعزیری درجه شش و هفت و هشت است که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است. اما چون مطابق ماده ۴۷ ق.م.ا جرایم منافی عفت از جرایم قابل تعلیق نیستند، میانجی‌گری در چنین جرایمی قابل اجرا نیست. از آنجاکه جرایم منافی عفت با مسائل

جنسی و جرایم منافی عفت در معنای عام با محدودیت‌هایی مواجه بوده که این امر دامنه مداخلات آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است؛ لذا با توجه به رسیدگی و تعقیب این جرایم در دادگاه و عدم مداخله دادرسی و سایر ضابطان دادگستری در راستای انجام تحقیقات اولیه و تعقیب جرایم منافی عفت جنسی باید گفت که سیاست جنایی چنین نهادهایی نسبت به این‌گونه جرایم دارای چارچوب خاصی بوده که این امر در پرتوی سیاست بزه‌پوشی شریعت اسلام قابل توجیه است؛ بنابراین، باید گفت به هر اندازه که میزان تعقیب و پیگیری نسبت به جرایم منافی عفت محدودتر شود به همان نسبت جامعه نسبت به ارتکاب این‌گونه جرایم و در گام بعدی باید تحت امر مقامات قضایی اقداماتی که در این چارچوب نیاز است انجام دهد. (فتح الهی و تندر، ۱۳۹۵: ۱۶۴)

به نظر می‌رسد در رابطه با کشف و تعقیب جرایم منافی عفت در فهم خاص (جرایم جنسی) حفظ محدودیت‌های حاضر در رابطه با ضابطان دادگستری مؤثرتر بوده و هرچه میزان دخالت این نهاد در پیگرد این جرایم محدودتر باشد احساس امنیت جامعه نسبت به بزه دیدگی این دسته جرایم به شکل بهتری تأمین خواهد شد؛ زیرا هرچه میزان تعقیب و پیگیری در رابطه با کشف این‌گونه جرایم افزایش یابد چنین القا می‌نماید که گستره این‌گونه جرایم افزایش یافته و از سویی دیگر موجب القای این اندیشه می‌شود که نیروی انتظامی و دادگستری زمینه‌های تعرض به حریم خصوصی افراد را ایجاد نموده است. (فتح الهی و تندر، ۱۳۹۵: ۱۶۵) گشت ارشاد و گسترش آن در جامعه درست در تقابل با سیاست بزه‌پوشی اسلام در جرایم حیثیتی و منع تجسس در امور مردم است. از این رو حذف کامل این نهاد و پیش‌گیری از ادامه فعالیت چنین اقداماتی برای حفظ امنیت و آرامش جامعه ضروری است و سیاست جنایی اجرایی از این جهت نیازمند به بازبینی و اصلاح است تا هدف شارع و قانون‌گذار در رابطه با بزه پوشی در جرایم منافی عفت برآورده شود.

۲-۴- سیاست جنایی اسلام در جرایم منافی عفت تعزیری

سیاست جنایی اسلام در برابر غریزه جنسی، سیاستی اعتدالی و واقع‌بینانه است که ضمن پذیرش آن به‌عنوان امری اجتناب‌ناپذیر در حیات اجتماعی و فردی انسان تلاش می‌کند با استفاده از موضعی سازنده و هدایت‌گر، راه سرکشی و زیاده‌خواهی را به روی آن ببندد و بر همین اساس، منطقه ممنوعه روابط جنسی را به‌طور دقیق مشخص کرده است و تدابیر و اقدامات متنوعی را برای پیش‌گیری از ورود به این منطقه پیش‌بینی کرده است. سیاست جنایی اسلام در مبارزه با جرایم جنسی تدابیری را در سه گام طراحی نموده است؛ در گام نخست تلاش کرده با تدابیری بر طبق روان‌شناسی و جامعه‌شناختی انسان، آستانه مقاومت فرد را در برابر کشش‌های انحرافی غریزه جنسی بالا ببرد و به این وسیله یک نیروی کنترل درونی در افراد ایجاد کند تا او بدون نیاز به کنترل نیروی بیرونی از ورود به منطقه ممنوع رفتار جنسی دوری کند؛ در گام بعدی تلاش می‌کند با سخت کردن دسترسی به آماج و تجویز نوعی عکس‌العمل تدافعی برای افراد در معرض تعرض، اشخاصی که در معرض ارتکاب جرم هستند را از اجرایی کردن رفتار مجرمانه منصرف کند و سرانجام در گام سوم با تعیین مجازات متناسب با انواع جرایم جنسی و اوضاع و احوال مرتکب جرم، درصد بازدارندگی و اصلاح مجرم و عبرت گرفتن دیگر افراد است. (محمدی جورکویه، ۱۳۸۹: ۱۱۷)

آنچه در احکام جزایی شرع اسلام به خوبی مشخص است، این نکته است که؛ دین اسلام به پیش‌گیری بیش از اصلاح و برخورد کیفری اهتمام دارد. از این رو پیش از هر کاری برای از بین بردن عواملی که موجب و زمینه‌ساز ارتکاب جرایم هستند، اقداماتی نموده و چاره‌اندیشی کرده است. دین اسلام با عبادت‌های فردی مانند نماز و روزه و ... به اصلاح فردی و پاک‌سازی و تقوا و پرهیزگاری روحی افراد نموده است تا از این طریق به پیش‌گیری از وقوع جرم و گناه بپردازد. تشویق به ازدواج و عاری کردن جامعه از مظاهر تحریک‌کننده و شهوت‌انگیز همگی اقداماتی برای پیش‌گیری از جرایم منافی

محور است اما سیاست جنایی قضایی با توجه به واقعیات اجتماع بخشی از مقررات کیفری را کاهش داده یا تعطیل کرده است. درباره جرایم منافی عفت تعزیری نیز قانون‌گذار از سیستم کیفردهی و سیاست جنایی سرکوب‌گر استفاده نموده است. در زمینه سیاست جنایی اجرایی و مشارکتی نیز با استفاده از دو جنبه فعال و منفعل آن با نهادهایی مانند امربه‌معروف و نهی از منکر و تدابیر امنیتی اقداماتی صورت گرفته است اما آن‌گونه که شایسته است و کامل باشد، چنین اهمیاتی دیده نمی‌شود. فقدان هماهنگی در جنبه‌های مختلف سیاست جنایی ایران و وضعیت وقوع جرم و ناامنی در زمینه جرایم منافی عفت ناشی از سیاست جنایی ناهماهنگ و دور از واقعیت‌های اجتماعی است.

امنیت انسان در پرتو امنیت اجتماع است، جامعه‌ای دارای امنیت است که انسان در آن جامعه از آسیب‌های اجتماعی، از تعرض به جان و مال و حیثیت و ... در امان باشد. معضل جرایم منافی عفت، اخلاق و عفت و پاک‌دامنی را از جامعه می‌گیرد و فساد ناشی از چنین جرایمی بزرگ‌ترین آسیب را به نهاد خانواده وارد می‌کند و موجب نگرانی و ناامنی شهروندان و خانواده‌ها می‌شود، احساس ناامنی ناشی از جرایم منافی عفت موجب محدودیت شدید در فعالیت‌های اجتماعی به‌ویژه برای زنان است. گسترش چنین جرایمی و احتمال وقوع آن موجب کاهش امنیت انسانی از این جنبه می‌گردد. از این رو به‌کارگیری سیاست جنایی محکم پیشگیرانه با استفاده از نهادهای مدنی و تحقیقات جرم‌شناختی که احتمال وقوع چنین جرایمی را به حداقل درجه ممکن برساند.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

عفت است. از سوی دیگر با تشریح احکامی همچون امربه‌معروف و نهی از منکر اقدام به پیش‌گیری اجتماعی نموده است؛ یعنی با کمک گرفتن از حس مسؤولیت جمعی و اجتماعی برای پیش‌گیری از جرایم اقدام کرده است. همچنین با تعیین مجازات سنگین حدی و تعزیری و تعیین شرایط اثبات آن‌ها به گونه خاص مانند وجود چهار شاهد مرد برای اثبات جرم لواط، درواقع با هدف بازدارندگی از وقوع جرم اقدام نموده است. سرانجام با تعیین نهادهایی همچون شفاعت و کفالت در جرایم تعزیری راه پیش‌گیری و بازدارندگی از ارتکاب جرایم را هموار نموده است.

گذشته از اقدامات عامی که درباره همه جرایم صورت گرفته است، درباره جرایم منافی عفت سیاست جنایی اسلام بر بزه‌پوشی و عدم اثبات جرایم است، حفظ عفت عمومی و گسترش فرهنگ توبه به‌ویژه در زمینه جرایم منافی عفت همواره سعی در پنهان ماندن چنین جرایمی و علنی نشدن آن‌ها نموده است.

نتیجه‌گیری

جرایم منافی عفت به دودسته جرایم حدی و تعزیری تقسیم می‌شود، جرایم منافی عفت تعزیری در قانون مورد تعریف دقیق واقع نشده و قلمرو این دسته جرایم در قانون مشخص نشده است. بررسی مواد قانونی مربوط به جرایم منافی عفت تعزیری نشان می‌دهد که جرایم منافی عفت تعزیری هرگونه رابطه جسمی میان زن و مرد که در حد زنا نباشد و ارتکاب علنی اعمال حرام، بی‌حجابی و دایر کردن مراکز فساد و فحشا را در برمی‌گیرد. اما این تعریف و تعیین قلمرو ناقص است زیرا جرایم منافی عفت تعزیری با توجه به مبانی شرعی، محدود به روابط جسمی مرد و زن نیست بلکه رابطه دو مرد یا دو زن را نیز در برمی‌گیرد. پس جرایم منافی عفت مجموعه جرایمی است که در زمینه روابط جنسی نامشروع و غیرقانونی هستند.

سیاست جنایی ایران در جرایم منافی عفت تعزیری تغییرات چندانی نداشته است. سیاست جنایی هر کشور باید منسجم و هماهنگ باشد درحالی‌که سیاست جنایی تقنینی ایران کیفر

سهام نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.



منابع و مأخذ

- الهی منش، محمد رضا؛ مرادی اوجقاز، محسن و رضایی، بشیر (۱۳۹۴). «سیاست جنایی ایران در قبال اختلاس». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، پاییز، ۸۳(۲): ۱۰۱-۱۱۸.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۵). *تحریر الوسيله*. جلد دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- آنسل، مارک (۱۳۹۵). *دفاع اجتماعی*. مترجم محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ چهارم، تهران: نشر گنج دانش.
- تلخایی، مجید و تقی‌خانی، علی (۱۳۹۰). «تحلیل فقهی مسأله اشاعه فحشا و تطبیق آن با فعالیت‌های رسانه‌ای». *فقه و حقوق ارتباطات*، ۱(۱): ۹۸-۱۰۹.
- توانا، نجفی (۱۳۸۹). *مجموعه مقالات پیرامون سیاست جنایی*. تهران: ناشر آموزش و سنجش.
- حر عاملی، محمد ابن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. چاپ اول، جلد هجدهم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳). *سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول، تهران: سمت.
- خالقی، علی (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ سی‌ام، تهران: نشر شهر دانش.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، چاپ دوم، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- شامیاتی، هوشنگ (۱۳۸۵). *حقوق کیفری اختصاصی*. جلد سوم، چاپ پنجم، تهران: نشر ژوبین.
- طاهری، سمانه (۱۳۹۲). *سیاست کیفری سختگیرانه*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و حسابی، ساره (۱۳۹۰). «سیاست جنایی و تطور مفهومی آن». *تعالی حقوق*، ۴(۱۵): ۱۰۵-۱۲۸.
- عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ عمید*. چاپ ششم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- عنصری فرد، عباس (۱۳۸۳). *جریمه‌دار کردن عفت عمومی در حقوق ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات آریان.
- غلامی، حسین (۱۳۸۰). *تکرار جرم، بررسی حقوقی - جرم‌شناختی*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- فتح‌الهی، سیامک و تندر، امیر (۱۳۹۵). «اختیارات پلیس در پاسخ به جرایم منافی عفت». *فصلنامه مطالعات حقوقی - انتظامی*، ۱(۲): ۱۵۲-۱۶۸.
- قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۸۵). «اصول سهولت و مدارا در سیاست جنایی حکومت اسلامی». *انجمن معارف اسلامی*، ۷(۳): ۲۵-۷۵.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۲). *محتشای قانون مجازات اسلامی*. تهران: نشر مجد.
- لازرژ، کریستین (۱۳۹۲). *درآمدی بر سیاست جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. جلد پنجم، چاپ شانزدهم، تهران: نشر گنج دانش.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۶). *قواعد فقه جزایی*. چاپ هشتم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی جورکویه، علی (۱۳۸۹). «سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی». *مجله حقوق اسلامی*، ۷(۲۴): ۱۱۲-۱۲۵.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). *انوارالفاکهه فی الاحکام العتره الطاهره*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۴). *حقوق جزای اختصاصی: جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی*. چاپ چهارم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.



Iranian Criminal Policy towards Crimes against Chastity

Afshin Jafari ^{1*}, Asiyeh Hoseini ²

1. Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. MA, Criminal Law and Criminology, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 71-88

Corresponding Author's Info

Email:

jafari.afshin@yahoo.com

Article History:

Received: 27 Sep 2020

Accepted: 26 Nov 2020

Published online: 21 Dec 2020

Keywords:

Crimes against Chastity,
Ta'zirah,
Criminal Policy.

ABSTRACT

Maintaining public chastity and community safety is one of the major goals of the legislature. Therefore, a number of offenses have been criminalized as Crimes against Chastity. Obligatory Offenses in Iran Law are divided into two types of offenses, which are punishable by Islamic law, and the offenses of the offender. The offenses against ta'zirah are actually criminal behaviors that occur in the context of illicit sex but are not subject to the punishment of punishment. Each country's criminal policy includes legal, judicial, and administrative measures to deal with criminal phenomena. Concerning the Negligent Offenses of Investigating Legal Matters Related to this Crime in Iranian Laws and Courts, it indicates that the legislator's general policy of adhering to Islamic law on delinquency and the use of institutions such as the prohibition of evil and the prohibition of wrongdoing is to prevent crime. And in criminal law, it has used repressive and repressive criminal policy, which is inconsistent with judicial criminal policy that tends to be negligent and mitigated, and that Iran's criminal justice policy needs to be reviewed and revised. Correction is in many ways.

openaccess



Cite this article as:

Jafari, A & Hoseini, A (2020). "Iranian Criminal Policy towards Crimes against Chastity". *Legal Thoughts Journal*, 1(3): 71-88.